

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی این موضوع پرداخته است که چگونه می‌توان به کمک استاندارد و استانداردها سازی زمینه‌ی تحقق اقتصاد مقاومتی را فراهم کرد و مسیر رشد و توسعه‌ی اقتصادی کشور را هموار ساخت. ضعف در ساختار درونی اقتصاد کشور از یک سو (نظیر اقتصاد دولتی وابسته به نفت، نبود یک سازوکار مناسب در مدیریت مصرف، ضعف در تولید ملی و خودکفایی کالاهای راهبردی و...) و اعمال تحریم‌های بین‌المللی از سوی دیگر سبب شده است تا اقتصاد کشور آسیب‌پذیر نشان داده شود و دشمنان را به یک جنگ اقتصادی تمام عیار ترغیب کند. برای مقابله با چنین فضایی مناسب است نقاط آسیب‌پذیر و زمینه‌ساز تهدید شناسایی شده و سپس جهت اصلاح و رفع آن اقدام شود. روش استفاده‌شده در این پژوهش کیفی و از حیث نوع کاربردی است. این پژوهش به‌صورت توصیفی و با استفاده از مطالعه‌ی کتابخانه‌ای، اسنادی انجام شده است. بنابراین، در این مقاله تبیین شده است که کمک استاندارد و استانداردها سازی می‌تواند با اصلاح الگوی مصرف، هزینه‌های زائد را کاهش داد و زمینه‌ی صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور را فراهم کرد. همچنین از طریق استانداردها سازی می‌توان با برنامه‌ریزی برای ارتقای کیفیت و ایجاد رقابت‌پذیری در تولید، مصرف کالاهای داخلی را ترویج داده و باعث افزایش تولید داخلی شد. استانداردها با ایجاد فضای رقابتی می‌توانند زمینه‌های حضور در بازارهای جهانی را مهیا سازند. در نتیجه استانداردها می‌توانند با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار و تقویت رقابت‌پذیری، زمینه‌های رشد و توسعه‌ی اقتصاد کشور را فراهم سازند.

واژگان کلیدی:

اقتصاد مقاومتی، استاندارد، استانداردها سازی



۱ مقدمه

راهبردی مهم برای مقابله، تغییر مسیر حرکت اقتصادی و زمینه‌ساز رشد و توسعه‌ی پایدار کشور عنوان کردند. ایشان سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را با هدف تأمین رشد پویا، بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی^۱، دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله در افق ۱۴۰۴ و رسیدن به برنامه‌های اقتصادی کشور با رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا به‌عنوان راهکاری عملی برای مقاومت در برابر بحران‌ها و تحریم‌های رو به افزایش جهانی معرفی و ابلاغ فرمودند و در تبیین مفهوم اقتصاد مقاومتی می‌فرمایند: «اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم روند رو به رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب‌پذیری‌اش کاهش پیدا کند.» (ابراهیم‌زادیزدانی، پروان، ۱۳۹۷).

یکی از راهکارهای مناسب این است که نقاط آسیب‌پذیر و زمینه‌ساز تهدید شناسایی شده و سپس جهت اصلاح و رفع آن اقدام شود. در اقتصاد مقاومتی از جمله موضوعات مهمی که به‌عنوان مؤلفه‌های رشد و توسعه‌ی کشور شناسایی شده و مورد بحث قرار دارند شامل مواردی چون رشد بهره‌وری،

با پیروزی انقلاب اسلامی و از دست رفتن منافع قدرت‌های استکباری دنیا در ایران اسلامی، این کشورها در تمام سال‌های گذشته هرگونه توطئه‌ای را علیه نظام جمهوری اسلامی ایران به‌کار بسته‌اند تا از آن طریق بتوانند انقلاب را به انحراف کشانده و در بین اقشار مختلف مردم ناامیدی ایجاد کنند. یکی از راه‌هایی که دشمن بسیار بر آن اصرار دارد تا از آن طریق کشور را به زانو درآورده و بر کشور سلطه یابد استفاده از ابزار تحریم جهت تضعیف توان اقتصادی و از پای درآوردن اقتصاد کشور است. انتخاب راهکار تحریم اقتصادی از سوی نظام سلطه برای مقابله در کنار روش‌هایی نظیر تهدید به حمله‌ی نظامی، ترور و ... صرفاً نشان از شکست آن‌ها در آن جبهه یا راهبرد نبوده بلکه علت، واقعیت‌های اقتصاد کشور است. شرایط حاکم بر اقتصاد کشور، ضعف‌ها و کاستی‌های موجود در آن سبب شد تا دشمن وارد یک جنگ تمام عیار اقتصادی شود. بر همین اساس مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) بحث اقتصاد مقاومتی^۱ را مطرح نمودند و آن را به‌عنوان یک

۱. نویسنده مسئول - دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد مهندسی مکانیک، دانشگاه آزاد، تهران، ایران
۲. دانش‌آموخته کارشناسی شیمی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

مدیریت مصرف، افزایش تولیدات داخلی، تقویت امنیت غذایی، حمایت و توسعه صادرات، کاهش وابستگی به درآمد حاصل از نفت و گاز، افزایش پوشش استاندارد و پیشتازی در اقتصاد دانش‌بنیان^۳ است. یکی از ابزارهایی که می‌توان از آن برای اصلاح و رفع نقاط آسیب‌پذیر و زمینه‌ساز تهدیدها در این موضوعات به کار گرفت، رعایت استانداردهاست. به کمک استانداردها می‌توان با کاهش تنوع غیرضروری محصولات و جلوگیری از افزایش ضایعات، هزینه‌ها را کاهش داده و با اصلاح الگو و مدیریت مصرف در حوزه‌هایی چون مواد، انرژی و نیروی انسانی، زمینه‌های صرفه‌جویی اقتصادی را فراهم کرد و از این طریق مسیر صحیح بهره‌وری از ظرفیت‌ها و دارایی‌های موجود را هموار ساخت. از طرفی می‌توان با انطباق تولیدات داخلی با استانداردها و تضمین کیفیت و کارایی محصولات، گرایش به مصرف تولیدات داخلی را افزایش داد. استانداردها با تضمین کیفیت و ایجاد اطمینان خاطر از دوام، ایمنی و کارایی^۴ محصولات و خدمات این اطمینان را به جامعه و شهروندان خواهند داد که آنچه به کار می‌گیرند یا مصرف می‌کنند، سالم است. یکی از موانع اساسی در حوزه صادرات، الزامات تعیین‌شده‌ی کیفیت برای محصولات صادراتی است؛ استانداردها می‌توانند با تضمین کیفیت^۵ سهم مهمی در برطرف کردن مسائل تجارت خارجی^۶ داشته باشند. از طرفی با به‌کارگیری و اجرای استانداردهای بین‌المللی، تجارت خارجی تسهیل و به تدریج سهم بازارهای جهانی^۷ نیز بیشتر خواهد شد؛ در نتیجه زمینه‌های توسعه‌ی صادرات گسترش یافته و وابستگی به درآمدهای حاصل از نفت و گاز کاهش خواهد یافت. در حوزه‌ی دانشی، استانداردها مسیر انتقال داده و تبادل دانش را فراهم و امر پژوهش و نوآوری را تسهیل می‌کنند؛ محققان و پژوهشگران می‌توانند از استانداردها به‌عنوان یک سکو در فرایند پژوهش و نوآوری استفاده کنند. بنابراین، می‌توان گفت استاندارد و استانداردسازی نقش بسیار مهم و تأثیرگذاری در تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی خواهند داشت. اهمیت اقتصاد مقاومتی از آنجا ناشی می‌شود که تلاش دشمنان انقلاب اسلامی برای متوقف کردن روند پیشرفت انقلاب در سال‌های اخیر بیش از هر زمان دیگری بر عرصه‌ی اقتصاد تمرکز یافته است. این در حالی است که وضعیت فعلی اقتصادی کشور با اقتصاد مقاومتی فاصله‌ی

نسبتاً زیادی دارد. شاهد بر این ادعا، در بخش مصرف خانوار، وجود اسراف و تبذیر در بازار مصرف، حاکمیت فرهنگ مصرف‌گرایی، تمایل به ترجیح مصرف کالای خارجی، بر کالاهای تولید داخلی است. در بخش پس‌اندازها نیز، به‌جای استفاده از پس‌اندازها در سرمایه‌گذاری در بخش تولید و ایجاد اشتغال، این پس‌اندازها صرف خرید کالاهای بادوام شده و یا وارد بازار سفته‌بازی می‌شود. ضروری بودن مسائل اقتصادی در نگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) نیز حائز اهمیت است، ایشان ضمن اشاره به محوری بودن مسئله‌ی اقتصاد، چنین می‌فرمایند: «اینکه بنده می‌گویم (اقتصاد مقاومتی) و تکرار می‌کنم، به‌خاطر این است که بنده از ۱۰ سال، ۱۲ سال پیش دارم این حرف را با صدای بلند می‌زنم که اگر اقتصاد کشور را در درون مقاوم‌سازی کنیم، عمده مشکلات از بین خواهد رفت.^۸» عمر سی و چند ساله تحریم‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی علیه ایران و افزایش شدت اثر آن در طی زمان، تحریم را به یک متغیر برون‌زای جدی و اثرگذار بر اقتصاد کشور بدل کرده است که ضرورت طراحی اقتصادی جدید، با کارکردها و مؤلفه‌هایی نوین را تبیین می‌کند. آنچه در ادامه‌ی مقاله مورد مذاقه قرار می‌گیرد توضیحات تفصیلی در رابطه با ضرورت تحقق اقتصاد مقاومتی در استانداردسازی است. بنابراین، هرچه در زمینه‌ی گسترش استانداردسازی و فرهنگ آن در جامعه تلاش شود، اقتصاد جامعه محکم‌تر و تحقق چشم‌انداز ۱۴۰۴ کشور جهت اجرای هرچه بیشتر و بهتر سیاست‌های اقتصاد مقاومتی تضمین خواهد شد و با جرأت می‌توان بیان کرد استانداردها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای تحقق اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است که در این مقاله به آن اشاره می‌شود.

۲ مبانی نظری تحقیق

۲-۱ تبیین اقتصاد مقاومتی

۲-۱-۱ چرایی اقتصادی مقاومتی

در چند سال اخیر و با شدت یافتن تحریم‌های یک جانبه و غیرانسانی نظام سلطه علیه جمهوری اسلامی ایران، واژه‌ی جدید «اقتصاد مقاومتی» به ادبیات اقتصادی کشور اضافه و به فراخور حال و روز اقتصاد کشورمان مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. این واژه اولین بار در دیدار کارآفرینان با

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در شهریور سال ۱۳۸۹ مطرح شد. در همین دیدار، رهبر معظم انقلاب «اقتصاد مقاومتی» را معنا و مفهومی از کارآفرینی معرفی و برای نیاز اساسی کشور به کارآفرینی نیز دو دلیل «فشار اقتصادی دشمنان» و «آمادگی کشور برای جهش» را معرفی کردند (دهقان پور، ۱۳۹۴). براساس دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) علل و انگیزه‌ی تدوین و ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، ظرفیت‌های فراوان مادی و معنوی کشور از جمله ظرفیت‌های انسانی، سرمایه‌های طبیعی و موقعیت ممتاز جغرافیایی کشور، حل مشکلات مزمن و دیرپای اقتصادی نظیر تورم، بیکاری، وابستگی به نفت، پایین بودن بهره‌وری و الگوی ناصحیح مصرف و نیز مقابله با تحریم‌ها و کاهش کامل تأثیرپذیری اقتصاد کشور از بحران‌های اقتصاد جهانی است (شقاقی شهری، ۱۳۹۵).

گرایش به اقتصاد مقاومتی فقط مختص کشور ما نبوده بلکه در بسیاری از کشورها با توجه به تکانه‌های شدید اقتصادی تحت عناوین تاب‌آوری اقتصادی^۱ یا فنریت اقتصادی به معنی توانایی بازگشت سریع به حالت اولیه برای مقاوم‌سازی اقتصاد به کار برده شده است. «پارادوکس سنگاپور^۲» عنوان عبارتی بود که توسط بریگاگالیو (۲۰۰۳) به کار گرفته شد و به این موضوع اشاره دارد که کشور سنگاپور علی‌رغم قرارگرفتن در معرض شوک‌های اقتصادی خارجی، توانسته است نرخ رشد اقتصادی و سرانه‌ی تولید ناخالص داخلی خود را مدیریت کند.

تاکنون تعاریف متفاوتی برای مفهوم اقتصاد مقاومتی ارائه شده است که هر کدام از جنبه‌ای به این موضوع نگاه داشته‌اند. هیل و همکاران (۲۰۱۰) اقتصاد مقاومتی را توانایی بازیابی و برگشت به حالت اولیه بعد از وارد شدن شوک‌های خارج از سیستم، توانایی ایستادگی و مقابله با تکانه‌ها یعنی جذب شوک و توانایی اجتناب از شوک معرفی کردند. بریگاگالیو و همکاران (۲۰۱۳) اقتصاد مقاومتی را توانایی بازیابی و تعدیل اثرات منفی شوک‌ها اقتصاد خارجی می‌دانند. مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) اقتصاد مقاومتی را این‌گونه تعریف نمودند: «اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تعیین‌کننده‌ی رشد و شکوفایی کشور باشد.» معظم‌له در تبیین این مفهوم

فرموده‌اند: «اقتصاد مقاومتی فقط جنبه‌ی نفی نیست، این جور نیست که اقتصاد مقاومتی معنایش حصارکشیدن دور خود و فقط انجام یک‌سری کارهای تدافعی باشد. نه، اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که به یک ملت امکان می‌دهد و اجازه می‌دهد که حتی در شرایط فشار هم رشد و شکوفایی خودشان را داشته باشند^۱» (اسکندری، ۱۳۹۳). در فرهنگ معین (۱۳۹۳) اقتصاد مقاومتی چنین معرفی می‌شود: اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی‌ها و تأکید بر روی مزیت‌های تولید داخلی و تلاش برای خوداتکایی را در دستور کار قرار می‌دهد.

برخی از افراد اقتصاد مقاومتی و ریاضت اقتصادی را یکی می‌دانند و بر این باورند که اقتصاد مقاومتی همان اقتصاد ریاضتی با عنوانی متفاوت است، درحالی‌که این دو اصطلاح دارای تعاریف و مفاهیم کاملاً متفاوت هستند. ریاضت اقتصادی یک طرح یک‌طرفه است و از ناحیه‌ی دولت‌ها به مردم تحمیل می‌شود؛ هدف اصلی ریاضت اقتصادی کاهش هزینه‌ها و رفع کسری بودجه‌ی دولت است و به همین دلیل دولت‌ها به کاهش و یا حذف ارائه‌ی برخی خدمات و مزایای عمومی دست می‌زدند. منظور از اقتصاد مقاومتی، یک اقتصاد فعال و پویاست نه یک اقتصاد منفعل و بسته، چنانکه مقاومت برای دفع موانع پیشرفت و کوشش در مسیر حرکت به سمت جلو تعریف می‌شود (جعفرزادگان، حبیبی، ۱۳۹۱). بنابراین، اقتصاد مقاومتی اقتصادی است انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا. رهبر انقلاب در تبیین این مفاهیم می‌فرمایند: «درون‌زا بودن اقتصاد یعنی اینکه از دل ظرفیت‌های خود کشور ما و خود مردم ما می‌جوشد؛ رشد این نهال و این درخت، متکی است به امکانات کشور خودمان. درون‌گرا نیست؛ یعنی این اقتصاد مقاومتی، به این معنا نیست که ما اقتصاد خودمان را محصور می‌کنیم و محدود می‌کنیم در خود کشور؛ نه! درون‌زاست، اما برون‌گرا! با اقتصادهای جهانی تعامل دارد، با اقتصادهای کشورهای دیگر با قدرت مواجه می‌شود. بنابراین، درون‌زاست، اما درون‌گرا نیست.» بنابراین، اقتصاد مقاومتی به معنای تشخیص حوزه‌های اعمال فشار سایر کشورها و تلاش برای کنترل و کم اثر کردن این فشارها و در شرایط آرمانی تبدیل آن‌ها به فرصت‌هاست (دهقان پور، ۱۳۹۴).

۲-۱-۲ ارکان و ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی

برای تبیین و فهم اقتصاد مقاومتی و لزوم آن لازم است با چند مقدمه به مسئله ورود پیدا کرد. اولین نکته این است که مفهوم مقاوم بودن، یک مفهوم طیفی و مفهومی مطلق و دارای اندازه‌های مشخص نیست. دیگر اینکه اقتصاد مقاومتی قبل از دین و نقل، یک مفهوم عقلی است. شاهد این مدعا یک اصل عقلی است که در هر جای دنیا اصل بر استحکام، مقاومت و قوام است. با نگاهی به سایر اقتصادهای دنیا نیز متوجه خواهیم شد که تمامی آن‌ها همواره سعی در مقاومت‌سازی بافت‌ها و ساختارهای خویش داشته‌اند و این امر با تکامل دانش، همواره در مسیر خود رو به پیشرفت بوده است؛ بدین معنا که جهت‌گیری تمام تئوری‌های جدید، نیل به این هدف، یعنی قوام و مقاوم‌سازی است. به این مفهوم، استفاده از تجربیات سایر کشورها برای مقاوم‌سازی بافت‌های اقتصادی کشور لازم و ضروری است (سمیعی‌نسب و همکاران، ۱۳۹۵). مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) نیز در جلسه‌ی تبیین سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی چنین فرمودند: «تکیه بر ظرفیت‌های داخلی به معنای چشم بستن از امکانات کشورهای دیگر نیست، بلکه نظام اسلامی در کنار اتکا به داشته‌های داخلی از امکانات کشورهای دیگر نیز استفاده بیشینه‌ای خواهد کرد»^{۱۲}.

رکن اول، مقاوم‌بودن اقتصاد

ویژگی بارز اقتصاد مقاومتی، توانایی مقاومت در برابر عوامل تهدیدزا است. کشور باید در برابر عوامل تهدیدزایی همچون بلایای طبیعی و تکان‌های تخاصم مانند تحریم‌ها و امثال تحریم توانمند شود به فرموده‌ی رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی): «وظیفه‌ی همه‌ی ما این است که سعی کنیم کشور را مستحکم، غیرقابل نفوذ، غیرقابل تأثیر از سوی دشمن حفظ کنیم و نگه داریم؛ اقتصاد باید مقاوم باشد؛ باید بتواند در مقابل آنچه که ممکن است در معرض توطئه‌ی دشمن قرار بگیرد، مقاومت کند»^{۱۳} (معاونت سیاسی سازمان عقیدتی و سیاسی وزارت دفاع، ۱۳۹۶).

وابستگی اقتصاد کشور به نفت و تبدیل شدن آن به مهم‌ترین اهرم فشار و ابزار تحریمی غرب، گویای این مطلب است که اقتصاد ما یک اقتصاد تک‌محصولی بوده و مهم‌ترین بودجه‌ی دولت و تأمین مالی کشور به فروش نفت خام (گاز) وابسته است که حتی استخراج آن نیز وابستگی بسیار زیادی به

خارج از کشور دارد و این یکی از مهم‌ترین علت‌هایی است که نشان می‌دهد اقتصاد ما بسیار متزلزل است. علاوه‌براین لازم است در سایر حوزه‌ها نیز سازوکارهای اقتصادی مورد بازبینی قرار گیرند تا مواردی که وابستگی کشور را به دنبال دارد، شناسایی شده و درخصوص کاهش یا حذف آن اقدام شود.

رکن دوم، استفاده از همه‌ی ظرفیت‌های مردمی

یکی از چالش‌های اقتصاد ایران، ضعف در بخش خصوصی و تعاون در اقتصاد و عدم مشارکت آحاد مردم در فعالیت‌های اقتصادی است. انحصار در فعالیت‌های اقتصادی و حضور گسترده‌ی آن در اقتصاد موجب شده است تا اقتصاد ملی به شدت آسیب‌پذیر شود (شقایقی‌شهری، ۱۳۹۵). مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) درباره‌ی نقش مردم در اقتصاد مقاومتی می‌فرمایند: «اقتصاد مقاومتی یعنی اقتصاد مردم‌بنیاد. یعنی اقتصادی که مردم در آن مشارکت حداکثری داشته باشند»^{۱۴}. در دنیای امروز و در نظریه‌های رایج اقتصادی حتی مصرف‌گرایی‌ترین آن‌ها، یعنی اقتصاد سرمایه‌داری، مردم هم در تولید انبوه و هم در مصرف نقش اصلی را برعهده دارند (معاونت سیاسی سازمان عقیدتی و سیاسی وزارت دفاع، ۱۳۹۶).

ایران اسلامی با برخورداری از نیروی انسانی متعهد و کارآمد دارای ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های بالقوه است. این ظرفیت‌های باید به‌درستی شناخته‌شده و به‌کارگیری شوند. مسئولین امر می‌توانند با رفع نواقص و خلاءهای قانونی، ایجاد ثبات اقتصادی و عدالت‌مداری (حذف رانت‌جویی‌ها و ویژه‌خواری‌ها) حضور فعال، مؤثر و گسترده‌ی مردم و بخش‌های خصوصی در فعالیت‌های اقتصادی را فراهم سازند و بدین‌وسیله ضمن حفظ دستاوردهای کشور در زمینه‌های مختلف و تداوم پیشرفت، الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام را عینیت بخشند.

رکن سوم، حمایت از تولید ملی

استقلال و خوداتکایی منوط به قدرتمندی تولید داخلی است. به همین دلیل محور اقتصاد مقاومتی نیز تولید داخلی به‌شمار می‌رود. درواقع برای حصول به اقتصاد مقاومتی باید از تولید داخل استفاده کنیم. مردم باید خود مسیر مصرف کالاهای خارجی را ببندند و مصرف تولید داخل را بر مصرف کالاهای با علائم خارجی ترجیح دهند. «حمایت از

تولید ملی، آن بخش درون‌زای اقتصاد ماست و باید به این تکیه کرد^{۱۵}، (معاونت سیاسی سازمان عقیدتی و سیاسی وزارت دفاع، ۱۳۹۶). سهم دولت در حمایت از تولید ملی، پشتیبانی از تولیدات داخلی صنعتی و کشاورزی است. سهم سرمایه‌داران و کارگران، تقویت چرخه‌ی تولید و اتقان در کار تولید و سهم مردم که از همه‌ی اینها مهم‌تر است، مصرف تولیدات داخلی است (ابراهیم‌زاد و همکاران، ۱۳۹۷).

همیلتون نخستین وزیر خزانه‌داری آمریکا، به درخواست کنگره در سال ۱۷۹۱ گزارشی تهیه و استدلال کرد که به‌دلیل فشار رقابت از خارج و عادت مردم به مصرف کالاهای انگلیسی، صنایع تازه‌کار یا در شرف تأسیس در آمریکا نمی‌توانند به حیات خود ادامه دهند، مگر اینکه زیان‌های اولیه‌ی آن‌ها به نوعی توسط دولت جبران شود. وی ۱۱ گروه از اصول و روش‌های رشد صنایع و کارخانجات را پیشنهاد کرد که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارت بود از: وضع تعرفه بر واردات و برخی موارد ممنوعیت آن‌ها، اعطای یارانه‌های تولیدی، ممنوعیت صادرات مواد خام، جوایز صادراتی و توسعه‌ی زیربنای لازم، تشویق نوآوری‌ها و اکتشافات جدید در درون کشور و یا معرفی آنچه در کشورهای دیگر تولید می‌شود؛ در نتیجه‌ی سیاست‌های حمایت‌گرایانه، نرخ تولید ناخالص داخلی سرانه افزایش قابل‌توجهی داشت. مطالعه‌ی رابطه‌ی نرخ تعرفه و رشد اقتصادی در بازه‌ی ۱۸۳۱ تا ۱۹۱۱ نشان می‌دهد که متوسط نرخ رشد سالانه تخمین زده‌شده برای آمریکا ۲/۴ بوده است، در حالی که متوسط رشد در کشورهای اروپایی که از سیاست‌های آزادسازی تجاری پیروی می‌کردند ۱/۲ بوده است. تجربه‌ی آمریکا در ۱۵۰ سال اخیر نشان داده است این کشور با ارتقای تولید و صنایع داخلی، توجه به ابداع، فناوری و دانش و همچنین کاهش وابستگی به نفت، توانسته است بخشی از آسیب‌پذیری اقتصاد داخلی خود را کاهش داده و به رشد اقتصادی دست یابد (چانگ، ۱۳۹۲).

حمایت از تولید ملی یعنی اینکه کشور از حالت واردکننده بیشینه‌ای به حالت واردکننده کمینه‌ای و تبدیل به یک کشور تولیدکننده و صادرکننده‌ی محصولات غیرنفتی و غیروابسته به نفت شود. اگر تولید داخل رونق یابد مسئله‌ی تورم و اشتغال نیز حل خواهد شد و به این ترتیب اقتصاد استحکام خواهد یافت.

رکن چهارم، اصلاح الگوی مصرف یا مدیریت مصرف
الگوی مصرف هر جامعه نقشی تعیین‌کننده در تخصیص منابع تولید، نوع کالاهای تولیدی و شیوه‌ی توزیع آن‌ها دارد و اصلاح الگوی مصرف یکی از پایه‌های اصلی پیشرفت اقتصادی است. مردم به‌عنوان بازار اصلی مصرف کالاهای تأثیر مستقیمی بر اقتصاد مقاومتی، میزان انگیزه‌ی خرید تولیدات ملی و چگونگی مصرف آن‌ها و رعایت الگوی مصرف دارند (معاونت سیاسی سازمان عقیدتی و سیاسی وزارت دفاع، ۱۳۹۶). «مصرف هم باید مدیریت شود. این قضیه‌ی اسراف و زیاده‌روی، قضیه‌ی مهمی در کشور است. خوب، حالا چگونه باید جلوی اسراف را گرفت؟ فرهنگ‌سازی و اقدام عملی لازم است. دولت خودش یک مصرف‌کننده‌ی بسیار بزرگی است... به مصرف تولیدات داخلی هم اهمیت بدهید^{۱۶}» (اسکندری، ۱۳۹۳).

در زمینه‌ی اصلاح الگوی مصرف می‌توان به جایگزینی مصرف تولیدات داخلی به‌جای استفاده از محصولات خارجی اشاره کرد؛ اگر بتوان به مصرف کالاهای ایرانی پرداخت (البته در صورت ارتقای کیفیت کالاهای داخلی) به‌طور قطع شاهد رونق تولید خواهیم بود. علاوه‌بر آن بسیاری از کالاها هستند که بود و نبودشان تأثیر چندانی در زندگی ندارند اما تبلیغات و چشم و هم‌چشمی‌ها باعث می‌شود تا نیاز کاذب در مصرف‌کننده به‌وجود آید؛ می‌توان با جلوگیری از تجمل‌گرایی و اسراف، جامعه را از این فضا نجات داد. بنابراین، نیاز است هم نوع مصرف و هم میزان مصرف در کنار هم به درستی مدیریت شوند.

رکن پنجم، اقتصاد دانش‌بنیان

اقتصاد دانش‌بنیان به‌عنوان یکی از راهبردهای اساسی تولید به‌شمار می‌آید. اقتصاد دانش‌بنیان، یک اقدام زیرساختی در تولید و اشتغال است. به‌همین جهت یکی از راه‌های تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی حمایت دولت از شرکت‌های دانش‌بنیان است. به باور رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) اقتصاد دانش‌بنیان از مهم‌ترین زیرساخت‌های کشور است که اگر موضوع موردتوجه جدی قرار گیرد، قطعاً چرخه‌ی علم و صنعت تکمیل خواهد شد (معاونت سیاسی سازمان عقیدتی و سیاسی وزارت دفاع، ۱۳۹۶). اقتصاد دانش‌بنیان اقتصاد کمیابی منابع نیست، بلکه اقتصاد فراوانی منابع است؛ زیرا برخلاف بسیاری از منابع که هنگام مصرف مستهلک

می‌شوند، اطلاعات و دانش، که اساس اقتصاد دانش پایه است، می‌تواند بارها مصرف شده و با مصرف بیشتر در واقع رشد کند (هاشم‌زهی و نصیرخانی، ۱۳۹۵).

شرکت‌ها و مؤسسات دانش‌بنیان به‌منظور هم‌افزایی علم و ثروت، توسعه‌ی اقتصاد دانش‌محور و تجاری‌سازی نتایج تحقیق و توسعه در حوزه‌ی فناوری‌های برتر تشکیل شده‌اند. آن چیزی که باعث می‌شود شرکت‌های دانش‌بنیان به‌عنوان یک منبع تولید ثروت تلقی شوند این است که بتوان با هدایت درست این شرکت‌ها زمینه‌ی فعالیت‌های اقتصادی آن‌ها را در حوزه‌هایی که با کمبود دانش مواجه هستند، جبران کرد.

۲-۲ تبیین استاندارد و استانداردسازی

۲-۲-۱ مفهوم استاندارد و استانداردسازی

استاندارد در لغت به معنی نظم، قاعده، قانون و مفاهیمی از این قبیل است. گروهی از صاحب‌نظران، استانداردها و الگوها را به‌عنوان قانون، مقررات، مشخصات، ضابطه یا معیار در نظر گرفته‌اند (میجانی و سلیمی، ۱۳۹۳). استانداردها شامل راهنماها و الزاماتی برای انجام کارهای درست (اثربخشی) و درست کارکردن (کارایی) و درنهایت دستیابی به بهره‌وری مطلوب و ایدئال هستند (خاشعی و تمتاجی، ۱۳۹۵). استاندارد مدرکی است دربرگیرنده‌ی قواعد، راهنمایی‌ها یا ویژگی‌هایی برای فعالیت‌ها یا نتایج آن‌ها به‌منظور استفاده‌ی عمومی مکرر که از طریق اجماع و همراهی فراهم و به وسیله‌ی سازمان شناخته‌شده‌ای تصویب شده باشد و هدف از آن دستیابی به میزان مطلوبی از نظم در یک زمینه‌ی خاص است. استاندارد باید بر نتایج علوم، فنون و تجربیات استوار باشد. استانداردها به‌طور سنتی در مورد محصولات فیزیکی تدوین شده است؛ اما امروزه دامنه شمول آن بسیار گسترده‌تر است و در واقع برای محصول در معنای عام آن شامل همه چیز از جمله محصول نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، خدمات، دانش و غیره است (ریاحی، ۱۳۸۳).

استانداردسازی، فعالیت ایجاد معیارهایی در ارتباط با مسائلی بالفعل یا بالقوه و با هدف دستیابی به نظمی بهینه در مقوله‌ی مورد بحث برای استفاده‌ی عمومی و مستمر است (ریاحی، ۱۳۸۳). از سوی سازمان بین‌المللی ایزو استانداردسازی این‌گونه تعریف می‌شود: «فعالیتی که برای مسائل تکرارشونده به‌ویژه در حوزه‌های علمی، فنی و

اقتصادی راه‌حل ارائه می‌کند، با این هدف که به ساختاری مکتوب و به نظم و ترتیبی بهینه دست یافت.»

استانداردسازی، اقدامی فراتر از تدوین استاندارد است. علم استانداردسازی را می‌توان به‌عنوان یک تخصص در علم کسب‌وکار در کنار بازاریابی، مدیریت مالی، مدیریت اطلاعات و مدیریت کیفیت در نظر گرفت؛ اگرچه، علوم پایه هم به‌عنوان ورودی در استانداردسازی نقش دارند. استاندارد و استانداردسازی مختص صنعت نیست و تقریباً همه‌جا در تمامی جنبه‌های زندگی مدرن حضور دارند زیرا مردم خواهان امنیت، ایمنی، سلامت و بهداشت، اقتصاد و محیطی سالم هستند (بحیرایی و محمدروضه‌سرا، ۱۳۹۶). در یک جامعه‌ی صنعتی مدرن، استانداردسازی یک فعالیت تسهیل‌کننده محسوب می‌شود. هدف اصلی استانداردسازی در یک سازمان، رسیدن به نتایج کسب‌وکار به همراه اثربخشی و افزایش کارایی در آن سازمان است (دی‌ورایس، ۱۳۸۹).

هسر و اینکلار (۱۹۹۸) فضای استانداردسازی را به سه محور اصلی موضوعات استانداردسازی، جنبه‌های استانداردسازی و سطوح استانداردسازی دسته‌بندی کرده‌اند؛ موضوع استانداردسازی شامل هر ماده، فرایند یا فعالیتی است که ارزش اقتصادی یا حتی فرهنگی داشته باشد. نظیر: مهندسی، حمل‌ونقل، مسکن و ساختمان، غذا، کشاورزی، نساجی، تجارت، علم، آموزش و ... جنبه‌های استانداردسازی به ماهیت موضوع بستگی دارد که شامل، واژگان، نمادها، مشخصه‌ها، نمونه‌برداری و بازرسی، قوانین و مقررات و ... است؛ سطوح استانداردسازی سطح کارکرد استاندارد را نشان می‌دهد که شامل بین‌المللی، ملی، اتحادیه، شرکتی و شخصی است؛ در واقع حد مشارکت استانداردسازی را از نظر جغرافیایی، سیاسی یا اقتصادی مشخص می‌کند.

استانداردسازی بین‌المللی در بالاترین سطح و پس از آن استانداردسازی‌های منطقه‌ای قرار می‌گیرد؛ یعنی تعدادی از کشورهای هم‌جوار یا به نوعی با هم یکسان شده کار را انجام می‌دهند. بعد از آن، سطح استانداردسازی ملی و سپس استانداردهای بخشی قرار می‌گیرد که شامل بخش‌های خاص از صنایع است. پایین‌ترین سطح استانداردسازی، کارخانه‌ای یا شرکتی است؛ یعنی استانداردهایی که در سطح یک کارخانه در زمینه‌ی مقولات خاص و در محدوده‌ی همان مقوله‌ی شرکتی تهیه می‌شوند (ریاحی، ۱۳۸۳).

۲-۲-۲ فواید و مزایای استاندارد و استانداردسازی

امروزه استانداردها در رشد و شکوفایی اقتصاد کشورها نقش بسیار اساسی و بنیادی را برعهده دارند، به طوری که به کمک آن‌ها هزینه‌های سرمایه‌گذاری و میزان ریسک کاهش یافته و مسیر صحیح بهره‌وری از ظرفیت و دارایی‌های موجود، روشن می‌شود. از سوی دیگر از طریق استانداردسازی اهدافی نظیر تأمین ارتقای سطح سلامت، ایمنی و رفاه جامعه تحقق یافته و راه ایجاد ارزش افزوده بیشتر و رشد بهره‌وری در فعالیتهای اقتصادی هموارتر می‌شود (میجانی و سلیمی، ۱۳۹۳).

یکی از اهداف غیرمالی بسیاری از شرکت‌ها، انعطاف‌پذیری است. چالش‌هایی همچون بحران‌های مالی سازمان‌ها را وادار می‌کند به دنبال ابزارهایی باشند که هم قادر باشند از این بحران‌ها عبور کنند و هم از رقبای خود پیشی بگیرند. سازگاری با محیط‌های آشفته‌ی کسب‌وکار نیاز به دستیابی و حفظ قابلیت انعطاف‌پذیری دارد. استانداردسازی فرایندهای کسب‌وکار، ابزار مهمی برای تغییر ساختار کسب‌وکار و درک پتانسیل بازدهی به‌شمار می‌رود (Hadfield, 2007). نتایج تجربی به‌دست‌آمده از تحقیقی در سال ۲۰۰۸ نشان داد که در ۳۴ درصد شرکت‌های بزرگ آلمانی هدف از استانداردسازی فعالیت‌ها، افزایش انعطاف‌پذیری فرایند بود (Muensterman, Weitzel, 2008). مونسترمن و همکاران (۲۰۰۹) در مطالعات خود تأثیر بالقوه‌ی استانداردسازی فرایند را بر روی کارایی فرایند مورد بررسی قرار داده‌اند. به‌عنوان مثال آن‌ها از طریق اندازه‌گیری شاخص‌هایی چون زمان، هزینه‌ها و کیفیت اجرای فرایندها نشان دادند رابطه‌ی مثبتی بین داده‌های استاندارد و بازدهی کسب‌وکار وجود دارد. استانداردسازی مواد یکی از مهم‌ترین تصمیمات واحد خرید در سازمان است. برخی از محققین اهمیت استانداردسازی در خرید را در رتبه‌ی دوم اولویت‌های تصمیم‌گیری راهبردی به حساب می‌آورند (Ellram, Pearson, 1993). در تحقیقی در آمریکا نشان داده شد که استانداردسازی مواد اولیه در رتبه‌ی دوم مهم‌ترین راهبردهای کاهش هزینه است (Purchasing, 2002). همچنین اوری و پورتر در مطالعه‌ی خود بهبود عملکرد تأمین‌کنندگان، کاهش سطح موجودی و کاهش هزینه‌های خرید را از نتایج استانداردسازی برشمردند

(Avery, 1998) و (Porter, 2002). استانداردسازی شامل دو مرحله است مرحله‌ی اول یکسان‌سازی و مرحله‌ی دوم بهینه‌سازی (Muensterman, Weitzel, 2008). در سال ۱۹۷۳، به نقل از ورمان، اهداف کلی استانداردسازی بیشتر ماهیتی فقط اقتصادی داشتند: اقتصاد هزینه‌ها، سهولت کاربری، راهکارهایی برای رفع مسائل تکراری و تعیین کیفیت و ارزش‌یابی (بحیرایی و محمدروضه‌سرا، ۱۳۹۶).

با اجرای قوانین و مقررات استاندارد هزینه‌های تولید و اجرای پروژه در بخش‌های مختلف از جمله؛ انبارداری و ساخت ابزار و ماشین‌آلات و همچنین ارائه‌ی خدمات در حد قابل توجهی تنزل می‌یابد؛ روند تولید، منظم می‌شود؛ آرایش عملکرد شرکت یا کارخانه‌ها به نحو متعادلی تنظیم می‌شود؛ نگهداری اسناد، نقشه‌ها و طرح‌های مربوط به تولید محصولات و انجام خدمات طبق یک نظام دقیق بازایی سریع، طبقه‌بندی و بایگانی می‌شود؛ همکاری میان واحدهای مختلف سازمان یا کارخانه برای پیشبرد روند تولید میسر می‌شود؛ تفاهم کارکنان در مسائل فنی تحقق می‌پذیرد و سرانجام با تولید کالای دارای کیفیت مطلوب، رضایت بهره‌برداران و مصرف‌کنندگان نیز جلب می‌شود و بدین ترتیب استاندارد، شالوده‌ی استواری را برای پیشرفت و توسعه‌ی صنعت و اقتصاد فراهم می‌سازد، همین دلایل سبب شده است تا هزینه برای استانداردسازی، نوعی سرمایه‌گذاری مطمئن برای حضور در بازار رقابتی و تشویق مصرف‌کنندگان به استفاده‌ی هرچه بیشتر از تولیدات داخلی تلقی شود. بدون شک می‌توان بیان کرد که ما در دنیایی احاطه‌شده با استانداردها زندگی می‌کنیم و با توجه به گسترش روزافزون استاندارد و پیشرفت‌های عظیمی که طی سال‌های اخیر حاصل شده است، نقش و اهمیت استفاده از آن‌ها کاملاً ملموس و آشکار است (میجانی و سلیمی، ۱۳۹۳).

۳ روش‌شناسی تحقیق

روش استفاده‌شده در این پژوهش کیفی و از حیث نوع کاربردی است. این پژوهش به‌صورت توصیفی و با استفاده از مطالعه‌ی کتابخانه‌ای، اسنادی انجام شده است. برون‌داد پژوهش‌های کیفی اطلاعات توصیفی است که می‌تواند به فهم بهتر موضوع، چالش و مسئله‌ی اصلی کمک کند.

به بیان دیگر، این نوع پژوهش به دنبال شناخت و درک موضوع است و با محدودساختن مطالعه بر فرد یا جامعه در پی توجیه و تفسیر است. در قدم اول اقتصاد مقاومتی از حیث بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) تبیین و سپس در قدم دوم مزایای استانداردسازی مطرح می‌شود. بر این اساس، در تبیین حوزه‌ی اقتصاد مقاومتی، این مقاله تلاش کرده است با تحلیل سخنان مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و با بهره‌گیری از استانداردها، راهبردها و روش‌های دستیابی به اقتصاد مقاومتی را استخراج کند. در مرحله‌ی تحقیق کتابخانه‌ای؛ کتب، تحقیقات و بررسی‌های انجام‌شده‌ی مشابه، مطالعه و جمع‌بندی شده است.

۴ چارت شماتیک پیشنهادات تحقیق

به‌طورکلی علم اقتصاد به تحلیل تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات می‌پردازد و با پیش‌بینی رفتار متغیرهای اقتصادی به دنبال رسیدن به وضع مطلوب برای بهبود شرایط زندگی انسان‌هاست (دهقان‌پور، ۱۳۹۴). اقتصاد مقاومتی نیز با هدف شناسایی نقاط آسیب‌پذیر و تهدیدساز مؤلفه‌های اقتصادی نظیر چگونگی مصرف، میزان تولیدات داخلی، سطح بهره‌وری، امنیت غذایی، میزان صادرات، جایگاه اقتصاد دانش‌بنیان و درآمدهای وابسته (حاصل از نفت‌وگاز) به دنبال شکوفایی اقتصاد و توسعه‌ی پایدار کشور هستند. یکی از ابزارهایی که می‌تواند بر این متغیرها مؤثر واقع و سبب تحقق اقتصاد مقاومتی شود استاندارد و استانداردسازی است.

به کمک استانداردهای ابعادی می‌توان با به‌کارگیری قطعاتی که کارایی یکسانی دارند و قابل تعویض هستند تنوع محصولات تولیدی را کاهش داده و از هزینه‌ها کاست و بدین ترتیب بر سرعت تولید افزود. همچنین با استانداردسازی فرایندها نیز می‌توان فعالیت‌ها را برنامه‌ریزی کرد و با اجرای سیستمی آن از دوباره‌کاری‌ها و افزایش ضایعات جلوگیری کرد و از این طریق بهره‌وری را افزایش داد. به کمک استانداردها می‌توان با مدیریت مصرف مواد، انرژی و نیروی انسانی هزینه‌های اجرای پروژه‌ها را در حد قابل‌توجهی کاهش داده و ارزش افزوده بالایی فراهم کرد. به‌عنوان مثال استانداردهای مواد سبب خرید آسان‌تر آن می‌شود. بنابراین، استانداردها کمک می‌کنند تا منابع کمتری برای تولید مقدار مشخصی از محصولات صرف شود و در نتیجه هزینه‌های کلی اقتصاد

برای حجم معینی از تولید کاهش یابد. و بدین‌طریق از منافع اقتصادی به‌دست‌آمده برای ایجاد تسهیلات بهتری استفاده کرد.

استاندارد قدم مشترکی از سوی همه‌ی فعالان در حوزه‌ی تولید است. تولیدکنندگان از استانداردها برای به‌دست‌آوردن بازاری موفق برای محصولات و خدمات خود استفاده می‌کنند. وقتی شرکتی بیان می‌کند که محصولات و خدمات آن شرکت با الزاماتی که استاندارد تعیین کرده است مطابقت دارد، یک اعتماد بالقوه در مشتریان ایجاد می‌کند و از این طریق مشتریان را ترغیب می‌کند تا محصولات آن شرکت را خریداری کنند.

سازمان‌های تولیدی و خدماتی می‌توانند با به‌کارگیری استانداردها، ایمنی و بهداشت شغلی را مدیریت کرده و با افزایش آگاهی و دانش کارکنان در این خصوص، محیط کاری ایمن و سالمی را ایجاد کنند و با کاهش مخاطرات و حوادث شغلی، بهره‌وری سازمان را افزایش دهند.

از طریق استانداردها می‌توان بهداشت مواد غذایی را مدیریت کرد. سازمان‌های تولیدی و خدماتی که در زنجیره‌ی تأمین مواد غذایی جامعه نقش دارند، می‌توانند با به‌کارگیری اصول استانداردهای سیستم مدیریت بهداشت غذایی نسبت به تضمین سلامت محصولات غذایی خود اطمینان حاصل کنند و با پیشگیری از مخاطرات احتمالی میکروبی و فیزیکی در فرآورده‌های غذایی که می‌تواند به مشتری خسارت وارد کند و از اعتبار سازمان بکاهد، جلوگیری کنند.

در مباحث مربوط به اقتصاد خرد، عرضه و تقاضا محور اصلی بوده و مهم‌ترین عامل تأثیرگذار و تنظیم این دو موضوع، کیفیت و مطلوبیت کالا یا محصولی است که مصرف‌کننده درخواست یا خریداری می‌کند. مطلوبیت عمدتاً با دو عنصر قیمت و کیفیت تعیین می‌شود، کیفیت، بیان‌کننده‌ی دوام، استحکام، ایمنی، کاربری، بسته‌بندی، زیبایی و سایر ویژگی‌های خدمات و کالا است و نقش استانداردها نیز این است که زمینه‌های ارتقای کیفیت را در زمینه‌های مورد اشاره را فراهم سازند.

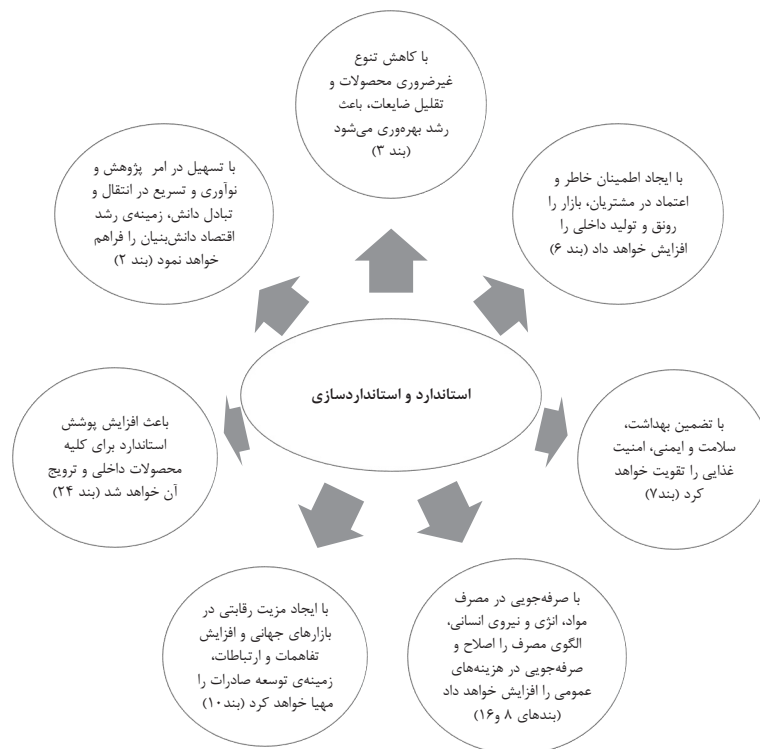
علاوه‌برآن، استانداردسازی کالا و خدمات، ارتقای بهره‌وری را به‌همراه داشته و باعث صرفه‌جویی در مصرف منابع و امکانات می‌شود. اما با افزایش بهره‌وری و رونق بازار کسب‌وکار، سطح درآمد جامعه بالا رفته و با افزایش قدرت خرید مردم، خودبه‌خود کیفیت بر قیمت کالا و خدمات

تقدم پیدا می‌کند و در نهایت رفتار مصرف‌کننده را از لحاظ رعایت اصول منفعت و هزینه در درازمدت هدایت می‌کند. در اقتصاد کلان، مباحث مربوط به زیرساخت‌های اساسی، تولید ملی، سرمایه‌گذاری، تجارت خارجی و اشتغال کامل مطرح است، استانداردها مبنا و اصول حرکت به سوی تولید انبوه هستند. بنابراین، اجرای نظام استانداردها، تولید انبوه را برای کشورها به ارمغان آورده و باعث رشد درآمد ملی آنان خواهد شد و به تبع آن سرمایه‌گذاری رونق گرفته، زمینه‌های اشتغال کامل در سطح ملی را ایجاد خواهد کرد. از طرفی اجرا و به‌کارگیری استانداردهای بین‌المللی، تجارت خارجی را تسهیل کرده و به تدریج سهم بیشتری از بازارهای بین‌المللی را به دنبال خواهد آورد، بنابراین، استانداردسازی چه از نظر تجارت داخلی و چه از نظر تجارت خارجی، نقش مهمی در توسعه اقتصادی برجای می‌گذارد. یکی از مشکلات کشور در صادرات محصولات تولیدی، حوزه‌ی کیفیت است، در اغلب موارد محصولات تولیدی به دلیل عدم رعایت الزامات کیفی سایر کشورها، نمی‌توانند در بازارهای جهانی رقابت کنند؛ تولیدکنندگان می‌توانند با به‌کارگیری استانداردها (خصوصاً بین‌المللی) و رعایت الزامات کیفی موردنیاز، سطح کیفیت تولیدات خود بهبود داده و با تضمین کیفیت، محصولات خود را در بازارهای

جهانی عرضه کنند. برای کشورها، استانداردهای بین‌المللی که مظهر توافقات جهانی است به‌عنوان منابع مهم فنی شناخته شده‌اند و با تعریف مشخصات محصولات و خدماتی که در بازارهای صادراتی وجود دارد، مبنایی برای تصمیمات درست محسوب می‌شوند.

استانداردها مجموعه‌ای از اطلاعات و دانش‌های فنی هستند که حاصل سال‌ها تحقیق و پژوهش هستند؛ بنابراین، استانداردها می‌توانند برای متخصصان به‌منزله‌ی راهنمایی باشند که امر پژوهش و تحقیقات را برای آنان تسهیل کرده و باعث افزایش دانش و اطلاعات دانش‌پژوهان شوند. متخصصان با به‌کارگیری روش‌ها و مواد پذیرفته‌شده (استاندارد شده)، انتخاب و طراحی مواد را تسریع بخشیده و همچنین می‌توانند با کمک استاندارد، بهبود و توسعه‌ی فرایندها و محصولات را سریع‌تر انجام دهند. دولت‌ها نیز به کمک استانداردها می‌توانند پایه‌های علمی و فنی در زمینه‌ی قوانین مربوط به کنترل بازار و قیمت‌ها، ایمنی، امنیت، بهداشت و محیط‌زیست را فراهم کنند.

بنابراین، استانداردها به‌عنوان راهبردی توانمندساز می‌توانند شالوده‌ی استواری را برای پیشرفت و توسعه‌ی اقتصاد فراهم سازند. شکل (۱) نمای کلی از اثرات استاندارد و استانداردسازی بر اقتصاد مقاومتی را نشان می‌دهد.



شکل ۱: چارت شماتیک پیشنهادات پژوهش (تحقیق اقتصاد مقاومتی در پرتو استانداردسازی)

۵ نتیجه‌گیری

اقتصادی در جهان امروز پیش‌تاز خواهد بود که در تمام مؤلفه‌های خود فاکتور دانش را در کنار استانداردسازی سرلوحه‌ی امور قرار می‌دهد و اقتصاد جامعه را به سمت اقتصادی دانش‌بنیان که ماحصل علم و فن و تجربه است پیش می‌برد. حمایت از تولیدکنندگان برای بهبود وضعیت تولید و بخش عرضه، بالاخص در قسمت‌هایی از تولید که در آن بخش با واردات مواجه هستیم و تغییر فرهنگ به سوی فرهنگ‌سازی برای مصرف داخلی اشاره کرد که لازمه‌ی آن طراحی یک الگوی مشخص از شیوه‌ی زندگی متناسب با اقتصاد مقاومتی برای عموم مردم براساس اعتمادبه‌نفس ملی و روحیه‌ی جهادی است. البته این کار زمانی ممکن است که به‌طور هم‌زمان و موازی، کیفیت تولیدات داخلی را افزایش داده باشیم تا مردم برای این تغییر رویه در مصرف، انگیزه‌ی کافی داشته باشند.

این پژوهش با هدف بررسی نقش استاندارد و استانداردسازی در اقتصاد مقاومتی انجام شده است. ادبیات تحقیق نشان داد که استاندارد و استانداردسازی یکی از ابزارهایی است که می‌تواند اقتصاد مقاومتی را به‌طور عملی محقق سازد. استانداردها هم در بعد اقتصاد خرد و هم در بعد اقتصاد کلان نقش مهمی را ایفا می‌کنند. در بعد اقتصاد خرد به کمک استانداردها می‌توان الگوی مصرف متناسب با نیاز کشور تدوین و با حذف موارد غیرضروری، هزینه‌های اضافی کشور را کاهش داد و بدین ترتیب زمینه‌ی صرفه‌جویی در هزینه‌های عمومی کشور را فراهم کرد. همچنین از طریق استانداردسازی می‌توان با برنامه‌ریزی برای ارتقای کیفیت و ایجاد رقابت‌پذیری، مصرف کالاهای داخلی را ترویج داده و باعث افزایش تولید داخلی و رونق کسب‌وکار شد. در بعد اقتصاد کلان استانداردها با ایجاد فضای رقابتی و تعاملات بین‌المللی می‌توانند زمینه‌های حضور در بازارهای جهانی و توسعه‌ی پایدار صادرات کالا در بازارها هدف را فراهم کرده و ارزآوری خالصی برای کشور به همراه داشته باشند. بنابراین، استانداردها می‌توانند با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت‌پذیری و توسعه‌ی بازارهای داخلی و خارجی زمینه‌های رشد و توسعه‌ی اقتصاد کشور را فراهم کرده و وابستگی کشور به اقتصاد تک‌محصولی نفت را کاهش دهند. بنابراین، هرچه در زمینه‌ی گسترش فرهنگ

استاندارد و استانداردسازی و نهادینه‌کردن آن در جامعه تلاش شود، اقتصاد جامعه استوارتر شده و به‌طور قطع شاهد رشد و شکوفایی کشور خواهیم بود.

۶ منابع

ابراهیم‌زاد، م، پروان، ا. (۱۳۹۷). بررسی تحلیل کاربردی از مفاهیم کلیدی سند «ابلاغیه اقتصاد مقاومتی» از منظر و دیدگاه حضرت امام خامنه‌ای، اولین کنفرانس بین‌المللی مطالعات بین رشته‌ای در مدیریت و مهندسی. انتشارات بوستان حمید.

بحیرایی، م؛ محمدروضه‌سرا، م. (۱۳۹۶). استانداردها و استانداردسازی. چاپ اول، تهران: انتشارات مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.

جعفرزادگان، ا، حبیبی، ا. (۱۳۹۱). اقتصاد مقاومتی: مفهوم، ضرورت، واقعیت، مجموعه مقالات همایش ملی بررسی و تبیین اقتصاد مقاومتی، دانشگاه گیلان.

جمعی از نویسندگان، ناظر علمی: معاونت سیاسی سازمان عقیدتی و سیاسی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح. (۱۳۹۶). مقاوم‌سازی اقتصاد با تولید و اشتغال، چاپ اول، تهران: انتشارات دفاع.

چانگ، ه. (۱۳۹۲). نیکوکاران نابه‌کار. نبوی، میرحمود؛ شهبابی، مهرداد. چاپ اول، تهران: انتشارات آمه، ۸۱-۸۰.

خاشعی، و، تمتاجی، م. (۱۳۹۵). مفهوم‌پردازی و تبیین مؤلفه‌های استانداردسازی از منظر اسلام (در جهت تحقق خط مشی‌های اقتصاد مقاومتی)، فصل‌نامه‌ی علمی-ترویجی مدیریت استاندارد و کیفیت، سال پنجم شماره دوم، ۸۳-۹۵.

دهقان‌پور، بابک. (۱۳۹۴). اقتصاد مقاومتی مطالعه مروری ابعاد و ویژگی‌ها، ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه شماره ۱۸۶، ص: ۶۴-۵۵.

دی‌ورایس، ه. (۱۳۸۹). استانداردسازی: رویکردی کسب‌وکارانه به سازمان‌های ملی استانداردسازی. ریاحی، بهروز. چاپ اول، تهران: مربع.

ریاحی، ب. (۱۳۸۳). آموزش استانداردسازی، چاپ اول، تهران: نشر مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران

سمیعی‌نسب، م، سلیمانی، ی، عبدی، س. (۱۳۹۵). مدل

Muensterman, B., Eckhardt, A., and Weitzel, T., (2009). "Join the standard forces – examining the combined impact of process and data standards on business process performance". *Proceedings of the 42th Annual Hawaii International Conference on System Sciences*. HICSS 2009, Big Island, Hawaii, 2009.

Porter, A.M. (2002), "Gillette's chief executive puts power into purchasing", *Purchasing*, July 18, 28-30. *Purchasing* (2002), "Purchasing survey. Buyer's cost reduction goals average 12 percent in '02, October", October 10: 17.

1. Resilient Economy

۲. واژه‌ی «اقتصاد مقاومتی» اولین بار در دیدار کارآفرینان با مقام معظم رهبری (۸۹/۶/۱۶) مطرح شد و در همین زمان کم، تعاریف متفاوتی از آن ارائه شد که هر کدام از جنبه‌های به این موضوع نگاه کرده است. در این میان، تعریف جامع و کامل از اقتصاد مقاومتی را خود رهبر فرزانه انقلاب ارائه داده‌اند. ایشان در دیدار با دانشجویان (۹۱/۵/۱۶) فرمودند: «اقتصاد مقاومتی یعنی آن اقتصادی که در شرایط فشار، در شرایط تحریم، در شرایط دشمنی‌ها و خصومت‌های شدید می‌تواند تعیین کننده رشد و شکوفایی کشور باشد».

3. Knowledge-based economy

4. Performance

5. Quality

6. Foreign business

7. Share of global markets

۸. بیانات رهبری در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش ۹۴/۱۱/۱۹.

9. Economic Resilience

10. The Singapore Paradox

۱۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان، ۹۱/۵/۱۶.
۱۲. بیانات مقام معظم رهبری، در جلسه تبیین سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی در تاریخ ۹۲/۱۲/۲۰.
۱۳. بیانات مقام معظم رهبری در حرم رضوی علیه السلام؛ ۹۲/۱/۱.
۱۴. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت؛ ۹۱/۶/۲.
۱۵. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت؛ ۹۱/۶/۲.
۱۶. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با کارگزاران نظام؛ ۹۱/۵/۳.

مفهومی مطلوب امنیت غذایی جمهوری اسلامی ایران در منظومه اقتصاد مقاومتی، فصلنامه آفاق و امنیت، سال نهم، ۳۰: ۹۶-۶۵.

شقایق شهری، و. (۱۳۹۵). اقتصاد ایران و نظریه اقتصاد مقاومتی، چاپ اول، تهران: انتشارات نور علم.

معین، م. (۱۳۹۳). فرهنگ فارسی، جلد ۱، تهران: انتشارات امیرکبیر.

میجانی، م، سلیمی، ف. (۱۳۹۳). راهبردها و نقش استانداردهای در تحقق اقتصاد مقاومتی، سومین همایش ملی علوم مدیریت نوین.

هاشم‌زهی، س، نصیرخانی، پ. (۱۳۹۵). تبیین نقش و جایگاه شرکت‌های دانش بنیان در توسعه اقتصاد مقاومتی، همایش ملی شرکت‌های دانش بنیان فرصت‌ها و چالش‌ها و نقش آن در توسعه کشور، چابهار، دانشگاه پیام نور سیستان و بلوچستان.

Avery, S. (1998), "ComEd standardized safety supplies to cut MRO costs", *Purchasing*, July 16: 203-4. Briguglio, L., (2003). "The Vulnerability Index and Small Island Developing States: A Review of Conceptual and Methodological Issues", *paper prepared for the AIMS Regional Preparatory Meeting on the BPOA+10 Review*, Praia, Cape Verde.

Briguglio, L., G. Cordina, et al., (2013), "A Vulnerability and Resilience Framework for Small State", *University of Malta*.

Ellram, L.M., and Pearson, J.N., (1993), "The role of the purchasing function: toward team participation", *International Journal of Purchasing and Materials Management*, 29(3): 3-10.

Hadfield, W., (2007). "BP to save 600 million pounds in global IT process standardization". *Computer Weekly*.

Hesser, Wilfreid. And Alex Inklaar. (1998) , "An Introduction to Standard and Standardization". *Beuth*. Hill. Edward, et al., (2010) , "Economic Shocks and Regional Economic Resilience", Prepared for Brookings, George Washington, Urban Institute, Building Resilient Region Project conference on Urban and Regional Policy and Its Effects: Building Resilient Regions, Washington DC.

23. Muensterman, B., and Weitzel, T., (2008) , "What are process standards? Proceedings of the International Conference on Information Resources Management, 2008". Conf-IRM 2008, Niagara Falls, Ontario, Canada, 2008.

The realization of resilient economy through standardization

Meysam Nazoktabar^{1*} | Yazdgerd Balalak²

Received: 2019-12-08

Accepted: 2020-02-25

Abstract

The present study investigates how standards and standardization can provide the basis for the realization of a resilient economy and pave the way for economic growth and development of the country. Weak internal structure of the economy (including oil-dependent state economy, lack of a proper mechanism for managing consumption, weakness in national production and self-sufficiency of strategic goods, etc.) from one side, and imposition of international sanctions from another have made Iranian economy susceptible which needs to be dealt with. To deal with such a case, it is important to identify vulnerabilities and threats, and then correct them. This study makes use of a qualitative applied methodology. The research is a descriptive study via investigation of library documents. This article argues that standards and standardization can help reduce waste costs by modifying the pattern of consumption and providing a means for saving public spending. In addition, standardization can contribute to promotion of domestic goods consumed and domestic production increased through planning to improve quality and create competitiveness in production. By creating a competitive environment, standards can open the door to global markets. As a result, standards can provide the basis for the growth and development of the country's economy by strengthening the factors of production, empowering the workforce and enhancing competitiveness.

Keywords: Resilient economy, standard, standardization

1. Corresponding author - Master of Mechanical Engineering, Azad University, Tehran, Iran
2. Bachelor of Chemistry Engineering, Razi University, Kermanshah, Iran